

روایت پیروز میدان در جنگ رمضان

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی*

اشاره

تعیین تکلیف جنگ‌ها تنها در میدان نظامی نیست، بلکه روایت‌ها و برداشت‌های شکل گرفته پس از پایان درگیری‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت یا تضعیف دستاوردهای آنها دارد. در بسیاری از موارد، آنچه در عرصه رسانه‌ای و تحلیلی به مثابه «پیروزی» یا «شکست» معرفی می‌شود، با واقعیت‌های میدانی تفاوت دارد؛ به همین دلیل بررسی دقیق شاخص‌ها و نشانه‌های پیروزی و شکست در هر جنگی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

جنگ رمضان که در پی تحولات منطقه‌ای و در بستر منازعه گسترده میان محور مقاومت از یک سو و ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از سوی دیگر شکل گرفت، یکی از نمونه‌های مهم چنین نبردی است. جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت توانستند در این جنگ با اتکا به ظرفیت‌های بومی، انسجام راهبردی و حمایت مردمی، معادلاتی را رقم بزنند که بسیاری از تحلیلگران منطقه‌ای و بین‌المللی را غافلگیر کرد.

با وجود تلاش گسترده رسانه‌های غربی برای ارائه تصویری متفاوت از نتایج این جنگ، بررسی دقیق تحولات میدانی، سیاسی و راهبردی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت توانستند دستاوردهای چشمگیری به دست آورند؛ در مقابل نیز ایالات متحده و رژیم صهیونیستی با مجموعه‌ای از ناکامی‌ها و محدودیت‌های راهبردی روبرو شدند.

هدف این نوشتار آن است که با تمرکز بر نشانه‌ها و عوامل مؤثر، روایت «پیروز میدان» در جنگ رمضان را تبیین کند. در این چارچوب ابتدا نشانه‌ها و عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم و سپس به تحلیل نشانه‌ها و عوامل شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌پردازیم.

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پیروزی ایران در جنگ رمضان

به اذعان و اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران، ایران اسلامی در جنگ رمضان در برابر دشمن غربی خود به پیروزی رسیده است.

الف) نشانه‌های پیروزی جمهوری اسلامی ایران

با وجود هزینه‌های سنگین انسانی و شهادت رهبران و فرماندهان برجسته و بیش از سه هزار شهید در جنگ رمضان، جمهوری اسلامی ایران بود که توانست در برابر ائتلافی از دشمنان غربی ایستادگی کند و معادلات جنگ را به سود خود تغییر دهد. پیروزی ایران در این جنگ فقط به معنای توقف یک عملیات نظامی یا عقب‌نشینی مقطعی دشمن نبود، بلکه در سطوح عمیق‌تر راهبردی، سیاسی و تمدنی نمود یافت. بر همین اساس می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را به مثابه شاخص‌های پیروزی جمهوری اسلامی ایران در این جنگ برشمرد.

۱. حفظ تمامیت ارضی و استمرار نظام سیاسی

نخستین و مهم‌ترین نشانه پیروزی جمهوری اسلامی ایران، حفظ تمامیت ارضی کشور و تداوم نظام سیاسی بود. بخش قابل توجهی از طراحی‌های دشمنان بر این فرض استوار بود که با ایجاد فشارهای چندلایه نظامی، اقتصادی و روانی، ستون‌های اصلی نظام سیاسی ایران از هم فرو خواهد پاشید. در واقع هدف راهبردی دشمن نه تنها ضربه نظامی، بلکه ایجاد بی‌ثباتی داخلی و تضعیف انسجام سیاسی کشور بود. با این حال، روند تحولات جنگ نشان داد که این محاسبات با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی ایران سازگار نبود؛ از این رو نه تنها ساختار سیاسی کشور با فروپاشی روبرو نشد، بلکه انسجام نهادی و همگرایی در سطوح مختلف حاکمیتی افزایش یافت. در چنین شرایطی، حفظ ثبات سیاسی و استمرار نظام حکمرانی را باید یکی از مهم‌ترین نشانه‌های پیروزی راهبردی جمهوری اسلامی ایران دانست؛ چراکه هدف اصلی دشمن دقیقاً بر نقطه مقابل آن متمرکز شده بود.

۲. نمایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های جنگ ترکیبی

یکی دیگر از نشانه‌های مهم پیروزی ایران، توانایی کشور در مدیریت و مقابله با جنگ ترکیبی بود. جنگ رمضان فقط یک رویارویی نظامی کلاسیک محسوب نمی‌شد، بلکه مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان در حوزه‌های مختلف را دربر می‌گرفت؛ از عملیات نظامی و امنیتی گرفته تا جنگ رسانه‌ای، فشارهای اقتصادی، حملات سایبری، عملیات روانی و تلاش برای اثرگذاری بر افکار عمومی. در چنین فضایی، جمهوری اسلامی ایران توانست نشان دهد که ظرفیت مدیریت

هم‌زمان این میدان‌های متنوع را دارد. افزون بر حفظ توان بازدارندگی نظامی، کشور در عرصه‌های سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی نیز توانست از شکل‌گیری روایت‌های یک‌جانبه دشمن جلوگیری کند. کنترل نسبی فضای افکار عمومی، حفظ انسجام اجتماعی و مدیریت بحران‌های اقتصادی از جمله جلوه‌های این اقتدار در جنگ ترکیبی بود. این تجربه نشان داد که قدرت ایران فقط به حوزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌های سخت و نرم را دربر می‌گیرد.

۳. تثبیت و نهادینه‌سازی الگوی مقاومت در برابر نظام سلطه

از دیگر نشانه‌های مهم پیروزی جمهوری اسلامی ایران، تثبیت الگوی مقاومت به مثابه راهبردی مؤثر در برابر فشارهای قدرت‌های بزرگ بود. پیش از این، برخی تحلیل‌ها بر این فرض استوار بود که مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی هزینه‌های سنگینی به همراه دارد و در نهایت کشورها را به عقب‌نشینی وادار می‌کند؛ ولی تجربه جنگ رمضان نشان داد که مقاومت فعال می‌تواند به ابزاری برای حفظ استقلال و دفاع از منافع ملی تبدیل شود. پایداری ایران در برابر فشارهای چندلایه و توانایی مدیریت بحران، سبب شد این الگو در سطح منطقه‌ای و حتی فراتر از آن مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از جریان‌ها و ملت‌های منطقه دریافتند که در برابر فشارهای خارجی، صرفاً سازش یا عقب‌نشینی تنها گزینه موجود نیست، بلکه مقاومت سازمان‌یافته می‌تواند نتایج مطلوب‌تری رقم بزند. بر اساس این نگرش، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ رمضان، تقویت گفتمان مقاومت در جهان اسلام و تبدیل آن به چارچوبی فکری و عملی برای مواجهه با نظام سلطه بود. چنین تحولی نه تنها پیامدهای سیاسی کوتاه‌مدت دارد، بلکه در بلندمدت می‌تواند بر شکل‌گیری معادلات جدید منطقه‌ای نیز اثرگذار باشد.

۴. نقش آفرینی ایران در تحولات منطقه‌ای و جهانی

یکی دیگر از نشانه‌های پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان را می‌توان در افزایش نقش و جایگاه این کشور در تحولات نظم منطقه‌ای و جهانی جستجو کرد. نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر در حال گذار از ساختارهای پیشین قدرت است. پس از جنگ جهانی دوم، جهان در قالب یک نظام دوقطبی میان ایالات متحده و اتحاد شوروی شکل گرفت. با فروپاشی شوروی، تصور غالب آن بود که جهان وارد دوره‌ای از نظم تک‌قطبی تحت رهبری آمریکا شده است. با این حال، تحولات چند دهه اخیر نشان داده است که این نظم تک‌قطبی پایدار نماند و به تدریج بازیگران جدیدی در حال ظهور هستند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز در

جایگاه یکی از بازیگران تأثیرگذار منطقه غرب آسیا توانسته است جایگاه ویژه‌ای در معادلات ژئوپلیتیکی پیدا کند.

جنگ رمضان در چنین بستری رخ داد؛ رخدادی که فراتر از یک درگیری محدود منطقه‌ای، به عرصه‌ای برای سنجش ظرفیت‌های راهبردی ایران تبدیل شد. توانایی ایران در مدیریت هم‌زمان فشارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای نشان داد که این کشور از سطحی از تاب‌آوری و قدرت راهبردی برخوردار است که می‌تواند در معادلات بزرگ‌تر جهانی نیز اثرگذار باشد.

ب) دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران

پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان صرفاً حاصل برتری در یک میدان نظامی محدود نبود، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی بود که در کنار یکدیگر شکل گرفتند. قرآن کریم در آیات متعددی نشان می‌دهد که پیروزی در نبردها تنها به ابزار و امکانات وابسته نیست، بلکه به ایمان، صبر، تدبیر و نصرت الهی نیز پیوند خورده است. مهم‌ترین دلایل این پیروزی عبارتند از:

۱. نصرت الهی

نخستین و بنیادی‌ترین عامل پیروزی در هر نبردی از دیدگاه قرآن کریم، نصرت الهی است. سنت الهی بر این قرار گرفته است که هرگاه جامعه‌ای در مسیر حق حرکت کند و به قیام برای دفاع از ارزش‌های الهی و عدالت پردازد، یاری خداوند شامل حال آنان خواهد شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»^۱ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد کرد». همچنین در آیه‌ای دیگر راه تحقق این نصرت بیان شده است: «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۲ اگر شما دین خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌سازد».

بر اساس این منطق قرآنی، پیروزی تنها محصول برتری ظاهری در نیرو و تجهیزات نیست، بلکه اراده الهی می‌تواند گروهی اندک را بر گروهی بزرگ پیروز گرداند. قرآن کریم در توصیف این سنت الهی می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳

۱. آل‌عمران: ۱۶۰.

۲. محمد: ۷.

۳. بقره: ۲۴۹.

چهار بسیار گروه‌های اندکی که به اذن خدا بر گروه‌های بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران است».

در جنگ رمضان نیز با وجود برتری گسترده دشمن در حوزه رسانه‌ای، اقتصادی و برخی ابزارهای نظامی، آنچه معادله را تغییر داد، تحقق همین سنت الهی بود؛ سنتی که پیروزی را برای جبهه‌ای رقم می‌زند که در مسیر حق ایستادگی می‌کند.

۲. حکمرانی کارآمد و مدیریت راهبردی نظام در دوران جنگ

دومین عامل مهم در پیروزی ایران، حکمرانی کارآمد و مدیریت هوشمندانه جنگ بود. در جنگ‌های پیچیده و ترکیبی، تنها برخورداری از قدرت نظامی کافی نیست، بلکه هماهنگی میان نهادهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک نقشی تعیین‌کننده دارد. جمهوری اسلامی ایران در این جنگ توانست میدان را با حفظ انسجام در سطح حاکمیت و اتخاذ راهبردی مبتنی بر صبر فعال و بازدارندگی هوشمند مدیریت کند.

قرآن کریم در این باره بر ضرورت تدبیر، انسجام و اطاعت از رهبری در شرایط جنگی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱ از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت شما از میان می‌رود؛ و صبر کنید که خداوند با صابران است».

این آموزه قرآنی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی در جنگ، انسجام در ساختار فرماندهی و پرهیز از اختلاف و چنددستگی است. مدیریت راهبردی جنگ رمضان نیز بر همین اصل استوار بود؛ یعنی هماهنگی میان میدان نظامی، دیپلماسی، سیاست داخلی و اقتصاد که مانع از فرسایش قدرت ملی شد.

۳. مبعوث شدن مردم در دفاع از نظام

یکی دیگر از عوامل اصلی پیروزی، حضور فعال و حمایت گسترده مردم از نظام و جبهه مقاومت بود. دشمنان در طراحی جنگ بر این فرض تکیه کرده بودند که جامعه ایران با خستگی و شکاف اجتماعی مواجه شده است؛ اما در عمل، حضور مردم در صحنه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و رسانه‌ای، این محاسبات را برهم زد؛ همچنین پیش‌بینی قائد شهید را محقق کرد که فرمودند: «چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را

مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد»^۱.
 قرآن کریم نقش مردم مؤمن در دفاع از جامعه اسلامی را بسیار مهم می‌داند و درباره روحیه استقامت جمعی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ ای اهل ایمان [در برابر حوادث]، شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وادارید و با یکدیگر [چه در حال آسایش، چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید». همچنین خداوند در جای دیگر، وعده یاری و نصرت الهی را با حضور مردم به پیامبر می‌دهد: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۳ و اگر بخواهند [در زمینه صلح و آشتی] تو را بفریبند، به یقین خدا تو را بس است؛ اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند کرد».

درواقع حضور مردم در میدان‌های مختلف، نوعی «مرباطه اجتماعی» را شکل داد؛ وضعیتی که در آن جامعه با همبستگی و همدلی در برابر فشارهای دشمن ایستادگی می‌کند. چنین مشارکتی، قدرت ملی را چندبرابر می‌کند و دشمن را در محاسبات خود با خطا مواجه می‌سازد.

۴. مدیریت و هم‌افزایی جبهه مقاومت

یکی دیگر از عوامل مهم پیروزی ایران در این جنگ، وجود شبکه منطقه‌ای جبهه مقاومت بود. جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه گذشته توانسته است مجموعه‌ای از بازیگران همسودر منطقه ایجاد کند که به گونه‌ای هماهنگ در مواقع بحران عمل می‌کنند. این شبکه سبب شد فشار جنگ تنها بر یک جغرافیای محدود متمرکز نشود و دشمن در چند جبهه هم‌زمان درگیر گردد.

قرآن کریم درباره اهمیت همبستگی جبهه مؤمنان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرصُوعٌ»^۴ خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او در صفی واحد می‌جنگند؛ گویی بنایی استوار و به هم پیوسته‌اند».

جبهه مقاومت را می‌توان مصداقی از همین «بنیان مرصوص» دانست؛ مجموعه‌ای از نیروها و ملت‌ها که با وجود تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی، در یک هدف مشترک یعنی مقابله با سلطه‌گری و دفاع از استقلال منطقه‌ای همسو شده‌اند.

۱. بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.

۲. آل‌عمران: ۲۰۰.

۳. انفال: ۶۲.

۴. صف: ۴.

۵. بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌ها و امکانات ملی

آخرین عامل مهم در پیروزی ایران، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های ملی در حوزه‌های نظامی، علمی و ژئوپلیتیکی بود. طی دو دههٔ اخیر، فشارهای تحریمی غرب موجب شد ایران مسیر خودکفایی در حوزه‌های دفاعی و فناوری را با سرعت بیشتری دنبال کند. نتیجهٔ این روند، شکل‌گیری منظومه‌ای از توانمندی‌های دفاعی از جمله موشک‌ها، پهپادها، جنگ الکترونیک و ظرفیت‌های سایبری بود که در جنگ رمضان نقش مهمی ایفا کردند.

قرآن کریم نیز مسلمانان را به آمادگی همه‌جانبه برای مقابله با دشمن فرامی‌خواند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ^۱ هر نیرویی در توان دارید برای مقابله با آنان [دشمنان] آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بازدارید». این آیه نشان می‌دهد که در کنار توکل بر خداوند، آمادگی و تجهیز قدرت نیز وظیفه‌ای راهبردی برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، دفاعی و ژئوپلیتیکی خود از توان موشکی و پهپادی گرفته تا موقعیت راهبردی تنگه هرمز، توانست توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهد و بر هزینه‌های جنگ برای دشمن بیفزاید.

شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ رمضان

آمریکا از نظر حجم تسلیحات، بودجهٔ نظامی و شبکه متحدان، به‌ظاهر در موضع برتر قرار داشت؛ اما در جنگ رمضان بازنده میدان بود.

الف) نشانه‌های شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی

با وجود برتری ظاهری آمریکا و رژیم صهیونیستی، روند تحولات جنگ رمضان نشان داد که این برتری‌ها لزوماً به معنای موفقیت راهبردی نیست. در پایان این جنگ، مجموعه‌ای از شاخص‌ها و نشانه‌ها آشکار شد که از ناکامی راهبردی آمریکا و هم‌پیمانانش حکایت داشت.

۱. دست‌نیافتن به اهداف راهبردی

نخستین و مهم‌ترین نشانهٔ شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی، ناکامی در تحقق اهداف اصلی جنگ بود. طراحی راهبردی این جنگ بر اساس چند هدف کلان شکل گرفته بود؛ از جمله تضعیف یا فروپاشی محور مقاومت، وادارکردن ایران به تغییر رفتار منطقه‌ای و درنهایت تحمیل

نظم امنیتی مطلوب غرب در منطقه. اما روند تحولات جنگ نشان داد که هیچ‌یک از این اهداف به گونه‌ای ملموس تحقق نیافت؛ در واقع نه‌تنها محور مقاومت تضعیف نشد، بلکه در بسیاری از موارد انسجام و هماهنگی بیشتری میان بازیگران آن شکل گرفت. همچنین ایران توانست ساختارهای اصلی قدرت خود را حفظ کند و همچنان در جایگاه یکی از بازیگران مؤثر در معادلات منطقه‌ای باقی بماند. بنابراین جنگی که قرار بود موازنه قدرت را به نفع آمریکا تغییر دهد، در نهایت نتوانست اهداف راهبردی آن را تأمین کند.

۲. تحمیل هزینه‌های سنگین بدون دستاورد راهبردی

دومین نشانه شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی، حجم بالای هزینه‌هایی بود که آنها در این جنگ متحمل شدند، بدون آنکه دستاوردی متناسب با این هزینه‌ها به دست آورند. جنگ رمضان برای آمریکا هزینه‌های مالی، امنیتی و سیاسی چشمگیری به همراه داشت. تخصیص منابع گسترده نظامی، افزایش فشار بر بودجه دفاعی، درگیر شدن در چند جبهه منطقه‌ای و افزایش تنش‌های سیاسی در داخل آمریکا بخشی از این هزینه‌ها بود.

در کنار این مسائل، رژیم صهیونیستی نیز با فشارهای امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری مواجه شد. طولانی شدن فضای بحران و نااطمینانی، آسیب‌هایی را به ثبات داخلی این رژیم وارد کرد. در مجموع نتیجه جنگ برای این بازیگران به گونه‌ای بود که توازن میان هزینه و فایده به شدت به ضرر آنان تغییر کرد؛ وضعیتی که در تحلیل‌های راهبردی یکی از نشانه‌های شکست تلقی می‌شود.

۳. تضعیف هژمونی و فرسایش بازدارندگی آمریکا

یکی دیگر از پیامدهای مهم جنگ رمضان، آسیب دیدن تصویر قدرت و بازدارندگی آمریکا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود. ایالات متحده طی دهه‌های گذشته کوشیده بود تصویری از «قدرت بلامنازع نظامی» از خود ارائه دهد؛ تصویری که تا حد زیادی بر پایه نمایش قدرت و ایجاد هراس در میان رقبا شکل گرفته بود. اما در جریان این جنگ، این تصور تا حدی دچار فرسایش شد و تحولات میدانی نشان داد که قدرت آمریکا نه مطلق است و نه از آسیب مصون. توانایی بازیگران منطقه‌ای در ایجاد چالش برای منافع آمریکا و مقاومت در برابر فشارهای آن، نشان داد که ساختار قدرت جهانی در حال تغییر است. چنین وضعیتی موجب شد «هیبت بازدارندگی» آمریکا که یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ آن در جهان محسوب می‌شد، با تردیدها و پرسش‌های جدی روبرو شود.

۴. گسترش گفتمان‌های انتقادی در برابر سیاست‌های آمریکا

از دیگر نشانه‌های شکست آمریکا در جنگ رمضان، تغییر فضای گفتمانی در سطح منطقه‌ای و جهانی بود. در طول جنگ، بسیاری از تحلیلگران، رسانه‌ها و حتی برخی متحدان غربی در برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه انتقادهای جدی مطرح کردند. این وضعیت نشان‌دهنده افزایش شکاف در اجماع سیاسی پیرامون نقش آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی بود. در کنار این مسئله، گفتمان‌های انتقادی دربارهٔ هژمونی آمریکا در بسیاری از جوامع تقویت شد. افزایش تردیدها به سیاست‌های مداخله‌گرانه و اشنگتن و شکل‌گیری بحث‌های گسترده درباره ضرورت نظم‌های بدیل در نظام بین‌الملل، نشانه‌هایی از این تغییر فضای فکری بود. چنین تحولاتی اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است کامل آشکار نشوند، در بلندمدت می‌توانند بر جایگاه و نفوذ آمریکا در جهان تأثیرگذار باشند.

ب) دلایل شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی

بررسی جنگ رمضان نشان می‌دهد که شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی صرفاً نتیجه یک رویداد نظامی یا تاکتیکی نبود، بلکه ریشه در مجموعه‌ای از خطاهای راهبردی و محاسباتی داشت که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. خطای محاسباتی در فهم ماهیت محور مقاومت

یکی از مهم‌ترین دلایل شکست آمریکا در این جنگ، خطای محاسباتی در فهم ماهیت و منطق جبهه مقاومت بود. سیاست‌گذاران آمریکایی معمولاً معادلات امنیتی را با شاخص‌هایی همچون قدرت نظامی، ظرفیت اقتصادی و موازنه تسلیحاتی تحلیل می‌کنند. بر اساس چنین نگاهی، تصور می‌شد که با اعمال فشارهای گسترده اقتصادی و تهدیدهای نظامی می‌توان اراده ایران و محور مقاومت را درهم شکست. اما این تحلیل، از درک مؤلفه‌های هویتی و اعتقادی جبهه مقاومت غفلت داشت؛ چراکه در این جبهه، عواملی همچون ایمان دینی، فرهنگ ایثار و شهادت، هویت ملی و تجربه تاریخی مقاومت نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اراده جمعی دارند. همین مسئله سبب شد که آمریکا بار دیگر در تشخیص «نقطه تسلیم» ایران با خطای محاسباتی مواجه شود.

در منطق قرآنی نیز پیروزی و شکست تنها به برتری ظاهری در قدرت وابسته نیست، بلکه ایمان و استقامت می‌تواند معادلات ظاهری قدرت را تغییر دهد؛ همان‌گونه که قرآن در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَأَخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا

وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ: همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، از آنان بترسید؛ ولی [این تهدید] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل و کارگزاری است».

۲. اتکای افراطی به قدرت نظامی و اقتصادی

دومین عامل مهم در شکست آمریکا، اتکای بیش از حد به ابزارهای سخت قدرت بود. راهبرد آمریکا در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی بر ترکیبی از فشار نظامی، تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای امنیتی استوار است. در جنگ رمضان نیز تصور غالب در این بود که فشارهای حداکثری اقتصادی و نمایش قدرت نظامی می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به عقب‌نشینی وادار کند؛ اما تجربه این جنگ نشان داد که چنین رویکردی نه تنها موجب تضعیف جبهه مقاومت نشد، بلکه در بسیاری موارد به تقویت روحیه خودتکایی و انسجام داخلی آن انجامید. فشارهای اقتصادی و امنیتی به جای فروپاشی اراده مقاومت، به افزایش انگیزه برای توسعه ظرفیت‌های بومی و کاهش وابستگی به ساختارهای تحت سلطه غرب منجر شد.

از منظر آموزه‌های اسلامی نیز صرف برخورداری از قدرت مادی نمی‌تواند ضامن پیروزی باشد. تاریخ جوامع مختلف نشان داده است که قدرت‌های بزرگ در صورت اتکا صرف به ابزارهای مادی و غفلت از عوامل انسانی و فرهنگی، ممکن است در برابر اراده ملت‌ها ناکام شوند.

۳. تذبذب و بحران در تصمیم‌گیری راهبردی

عامل دیگر در شکست آمریکا، تزلزل در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح حاکمیتی بود. جنگ‌های پیچیده و چندلایه نیازمند راهبردی منسجم، ثبات در تصمیم‌گیری و هماهنگی میان نهادهای مختلف سیاسی و نظامی هستند؛ درحالی‌که در جریان این جنگ، شکاف‌های سیاسی داخلی در آمریکا و رقابت‌های حزبی، بر فرآیند تصمیم‌سازی تأثیر گذاشت. اختلاف دیدگاه میان نهادهای سیاسی، فشار افکار عمومی، رقابت‌های انتخاباتی و اختلاف در ارزیابی هزینه‌ها و پیامدهای جنگ، موجب شد تصمیم‌های راهبردی آمریکا در بسیاری از مواقع با تردید و نوسان همراه باشد. چنین وضعیتی در یک جنگ طولانی و حساس، به معنای از دست دادن ابتکار عمل و کاهش کارآمدی راهبردی است.

۴. شکست در جنگ رسانه‌ای مبتنی بر تحریف

یکی دیگر از عوامل شکست آمریکا، ناکامی در مدیریت جنگ رسانه‌ای بود. آمریکا و متحدانش در آغاز جنگ کوشیدند با بهره‌گیری از شبکه گسترده رسانه‌ای خود، روایت غالب از جنگ را شکل دهند و افکار عمومی جهانی را با روایت‌های خود همراه کنند. این راهبرد عمدتاً بر بزرگ‌نمایی موفقیت‌ها، پنهان‌سازی شکست‌ها و ارائه تصویری یک‌جانبه از واقعیت‌های میدان استوار بود. اما تداوم این رویکرد و افزایش حجم اغراق، تحریف و اطلاعات نادرست، به تدریج موجب فرسایش اعتماد عمومی شد. با گسترش شبکه‌های ارتباطی و دسترسی سریع‌تر به اطلاعات، بسیاری از تناقض‌ها و نادرستی‌ها در روایت‌های رسمی آشکار گردید و این مسئله اعتبار رسانه‌ای آمریکا را در بخشی از افکار عمومی جهانی تضعیف کرد. در نتیجه، جنگی که قرار بود با برتری رسانه‌ای آغاز شود، در ادامه به عرصه‌ای تبدیل شد که در آن روایت رسمی آمریکا با چالش‌های جدی مواجه گردید و نتوانست افکار عمومی جهانی را با خود همراه کند.

۵. همراهی نکردن کامل سایر کشورها و متحدان

عامل دیگر در شکست آمریکا، محدود بودن میزان همراهی متحدان و شرکای بین‌المللی آنها بود. با اینکه ایالات متحده تلاش کرد حمایت سیاسی و امنیتی متحدان خود را جلب کند، بسیاری از کشورها تمایل نداشتند درگیر تقابلی گسترده و پرهزینه در منطقه شوند. برخی از دولت‌ها حمایت‌هایی محدود و مشروط ارائه کردند و برخی دیگر ترجیح دادند در حاشیه باقی بمانند. در بسیاری از کشورهای غربی نیز افکار عمومی به ورود به یک بحران جدید نظامی حساس بود و همین مسئله بر تصمیم دولت‌ها تأثیر گذاشت. در نتیجه آمریکا نتوانست اجماع بین‌المللی گسترده‌ای برای پیشبرد اهداف خود ایجاد کند.

نتیجه

پیروزی ایران در این جنگ نه به معنای فقدان هزینه‌ها و آسیب‌ها، بلکه به مثابه غلبه راهبردی بر اهداف دشمن و حفظ و ارتقای موقعیت تاریخی خود است. شکست آمریکا نیز نه تنها در عقب‌نشینی از یک منطقه، بلکه در فرسایش هیبت و اعتبار راهبردی آن در ذهن ملت‌ها و نخبگان جهان متجلی شد. بدین ترتیب، «جنگ تحمیلی سوم» را می‌توان به مثابه مدرسه‌ای بزرگ دانست که در آن یک ملت نشان داد چگونه می‌تواند با اتکا به ایمان، هویت، مدیریت حکیمانه و مقاومت هوشمند، بزرگ‌ترین قدرت سیاسی، نظامی و رسانه‌ای جهان را در میدان واقعیت به عقب براند و مسیر تاریخ را تغییر دهد.

۴۲ ■ ره‌توشه فصلنامه علمی – تخصصی ویژه مبلغان

کتاب‌نامه

قرآن کریم

پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب:

<https://farsi.khamenei.ir>.